

ساختار عاملی مقیاس رضایت زناشویی در کارکنان متأهل دانشگاه شهید چمران

دکتر غلامرضا رجبی^۱

Factorial Structure of Marital Satisfaction Scale in Married Staff Members of Shahid Chamran University

Gholam Reza Rajabi*

Abstract

Objectives: The aim of the present study was to examine the factorial structure of marital satisfaction scale in staff members of Shahid Chamran University, Ahvaz, Iran.

Method: 200 married staff members of Shahid Chamran University who were randomly selected from among the staff of the university, completed Mehrabian Marital Satisfaction Scale as well as Enrich Marital Satisfaction Questionnaire. **Results:** Internal consistency of all the scale in women, men and the two extracted factors, indicated a high validity of the scale. Correlation coefficient between each scale item with the total score of the items ranged between 0.06 to 0.88, and all (except for item 10) were statistically significant ($p < 0.001$). Concurrent validity coefficient between this scale and ENRICH Marital Satisfaction Questionnaire was 0.83. Principle Axis Factoring (oblique rotation) on Marital Satisfaction Scale accounted for 57.46% of the variance. The greater portion of this variance (45.64%) was accounted for by the first factor. Also, confirmatory factor analysis determined the two-factor model relative to the one-factor model. **Conclusion:** Regarding the satisfactory reliability and validity of Marital Satisfaction Scale, this scale could be useful in research settings and measuring couple satisfaction in consultation centers.

Key words: marriage; standardization; satisfaction; reliability; validity

[Received: 17 May 2008; Accepted: 21 October 2008]

چکیده

هدف: هدف این پژوهش بررسی ساختار عاملی مقیاس رضایت زناشویی در کارکنان دانشگاه شهید چمران بود. **روش:** ۲۰۰ کارمند متأهل دانشگاه شهید چمران که به روش تصادفی ساده از میان کارکنان دانشگاه برگزیده شده بودند، مقیاس رضایت زناشویی محرابیان و پرسش‌نامه رضایت زناشویی اینریچ را تکمیل نمودند. **یافته‌ها:** همسانی درونی کل مقیاس در زنان و مردان و دو عامل استخراج شده بیانگر روایی بالای مقیاس بود. ضریب‌های همبستگی بین هر یک از ماده‌های مقیاس با نمره کل ماده‌ها از ۰/۰۶ تا ۰/۸۸ در نوسان و همگی (به جز ماده ۱۰) از نظر آماری معنی‌دار بودند ($p < ۰/۰۰۱$). ضریب روایی هم‌زمان بین این مقیاس و پرسش‌نامه رضایت زناشویی اینریچ در کل نمونه ۰/۸۳ به دست آمد. تحلیل عاملی به روش عامل یابی محور اصلی (چرخش مایل) در مقیاس رضایت زناشویی دو عامل را نشان داد، که جمعاً ۵۷/۴۶٪ واریانس مقیاس را تبیین کردند. سهم بیشتر این واریانس (۴۵/۶۴٪) را عامل اول تبیین کرد. هم‌چنین تحلیل عاملی تأییدی الگوی دو عاملی را نسبت به الگوی یک عاملی برآزنده داده‌ها تعیین کرد.

نتیجه‌گیری: با توجه به پایایی و روایی مناسب مقیاس رضایت زناشویی می‌توان برای کارهای پژوهشی و اندازه‌گیری میزان رضایت همسران نسبت به یکدیگر در مراکز مشاوره از این مقیاس بهره گرفت.

کلیدواژه‌ها: ساختار عاملی؛ پایایی؛ روایی؛ رضایت زناشویی

[دریافت مقاله: ۱۳۸۷/۲/۲۹؛ پذیرش مقاله: ۱۳۸۷/۷/۳۰]

^۱ دکترای تخصصی روانشناسی، استادیار دانشگاه شهید چمران، اهواز، بلوار گلستان، دانشگاه شهید چمران، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، بخش مشاوره و روانشناسی

تربیتی. دورنگار: ۳۳۳۹۱۱-۰۶۱۱ (نویسنده مسئول). E-mail: rajabi@cep.cua.ac.ir

* PhD. in Psychology, Assistant Prof. of Shahid Chamran University. Dept. of Counseling and Educational Psychology, Shahid Chamran University, Ahvaz, Iran, IR. Fax: +98611-3333911. E-mail: rajabi@cep.cua.ac.ir

مقدمه

بررسی‌ها نشان داده‌اند افرادی که ازدواج می‌کنند سالم‌تر و خوشحال‌تر هستند (گوتمن^۱، ۱۹۹۴؛ اورباخ^۲ و کاستر^۳، ۱۹۹۵؛ میرز^۴، ماداتیل^۵ و تینگل^۶، ۲۰۰۵). در بیشتر بررسی‌های مربوط به ازدواج و روابط خانوادگی، بر رضایت که نشاط و شادکامی ازدواج را در پی دارد، تأکید می‌شود (هیمن^۷، سیرز^۸ و بلاک^۹، ۱۹۹۴). مفهوم دیگر در زمینه ازدواج، گسترش روابط صمیمی است، به‌ویژه این که چگونه انسان‌ها عشق و محبت‌شان را در طی زمان گسترش می‌دهند (شرر^{۱۰}، ۱۹۹۶، به‌نقل از میرز و همکاران، ۲۰۰۵). عواملی مانند عشق، صمیمیت، شادکامی و رضایت در ازدواج در فرهنگ‌های گوناگون متفاوت هستند (کایل^{۱۱} و کاوانگ^{۱۲}، ۲۰۰۰، به‌نقل از میرز و همکاران، ۲۰۰۵).

برخی بررسی‌های انجام‌شده رضایت از ازدواج را در زنان کمتر از مردان گزارش می‌کنند (فاورز^{۱۳}، ۱۹۹۱؛ شوم^{۱۴} و سیلیس^{۱۵}، ۱۹۹۶) و این امر می‌تواند زنان متأهل را بیش از زنان مجرد آماده ابتلا به پریشانی‌های روانشناختی کند (برنارد^{۱۶}، ۱۹۷۵؛ ویسمن^{۱۷}، ۱۹۹۹a، ۱۹۹۹b). این بررسی‌ها در کشورهای دیگری مانند چین (شیک^{۱۸}، ۱۹۹۴) و زیمباوه (عباس^{۱۹} و برودهد^{۲۰}، ۱۹۹۷) نیز انجام شده و شاخص‌های کیفیت ازدواج و زمینه خانوادگی نیز بررسی شده‌اند (اسپانیر^{۲۱} و لویس^{۲۲}، ۱۹۸۰). از ملاک‌های ارزیابی یک شاخص، پایایی و روایی آن است، اما جنبه‌های دیگری از جمله کیفیت زندگی مانند سازگاری، تفاهم، خشنودی و شادکامی؛ پایه‌های مفهومی شاخص‌ها (ساباتلی^{۲۳}، ۱۹۸۸؛ اسپانیر و لویس، ۱۹۸۰)، توانایی ابزار در ارزیابی همسران به‌عنوان واحد تحلیل (فاورز، ۱۹۹۰)، و آیین‌های ازدواج (ادموندز^{۲۴}، ۱۹۶۷؛ اسنایدر^{۲۵}، ۱۹۷۹) را می‌بایست در ساخت و اعتباریابی ابزارهای خانواده دارای اهمیت به‌شمار آورد.

شماری از ابزارهای ارزیابی کیفیت زندگی با کوشش در زمینه پوشش دادن جنبه‌های یادشده ساخته شده‌اند. مقیاس سازگاری زناشویی کانزاس (شوم و همکاران، ۱۹۸۶) (دارای سه ماده) شاخص کیفیت زناشویی^{۲۶} (نورتون^{۲۷}، ۱۹۸۳) (دارای شش ماده) از جمله ابزارهای کوتاه هستند. مقیاس سازگاری زوجی^{۲۸} (اسپانیر، ۱۹۷۶) (دارای ۳۲ ماده) و مقیاس رضایت زناشویی^{۲۹} (روچ^{۳۰}، فرازیر^{۳۱} و بودن^{۳۲}، ۱۹۸۱) (دارای ۴۸ ماده) از جمله شاخص‌های فرم بلند یک‌عاملی به‌شمار می‌روند. در صورتی که پرسش‌نامه رضایت زناشویی

اینریچ^{۳۳} (۱۲۵ ماده) (اولسون، فورنیر^{۳۴} و دراکمن^{۳۵}، ۱۹۸۷). فرم ۴۷ ماده‌ای این پرسش‌نامه را در ایران آماده نموده، شریف‌نیا (۱۳۸۰)، رجبی و شهبازی (۱۳۸۸)، رجبی و رسایی (۱۳۸۸)، موسوی (۱۳۸۷) و رجبی و نبگانی (۱۳۸۷) روایی آن را در نمونه‌های گوناگون بررسی نمودند و این ابزار ارزیابی خانواده را دارای پایایی و روایی مناسب گزارش کردند. اسنایدر (۱۹۷۹) نیز پرسش‌نامه رضایت زناشویی (۲۸۰ ماده) را که شاخص‌های چندبعدی یا چندعاملی رضایت زناشویی را می‌سنجد معرفی کرد. این ابزارهای اندازه‌گیری سازگاری و رضایت زناشویی از نظر شمار ماده‌ها یا خیلی کوتاه بودند یا خیلی بلند. بنابراین نیاز به یک مقیاس کوتاه که پاسخ‌گوی زمینه‌های گسترده مسایل خانواده از جمله رضایت زناشویی باشد، احساس می‌شد. یکی از ابزارهایی که در زمینه ارزیابی رضایت زناشویی در آمریکا به کار برده می‌شود؛ مقیاس رضایت زناشویی فرم‌های ۱۴ و ۳۵ ماده‌ای رضایت محرابیان^{۳۶} (محرابیان، ۱۹۹۸) است. محرابیان (همان‌جا) یک فرم کوتاه ۱۲ ماده‌ای و سپس ۱۴ ماده‌ای این مقیاس را تدوین نمود. برتری این مقیاس نسبت به پرسش‌نامه رضایت زناشویی اینریچ این است که آزمودنی بی‌آن که خسته شود در کمترین زمان به آن پاسخ می‌دهد.

برتری دیگر مقیاس‌های کوتاه بر مقیاس‌های بلند این است که روانشناسان بالینی و مشاوران خانواده می‌توانند در کمترین زمان ممکن از میزان رضایت همسران مراجعه‌کننده در نشست‌های مشاوره خانواده اطلاعات کافی به‌دست آورند

- | | |
|---------------------------------------|---------------|
| 1- Gottman | 2- Orbuch |
| 3- Custer | 4- Myers |
| 5- Madathil | 6- Tingle |
| 7- Heyman | 8- Sayers |
| 9- Bellack | 10- Sher |
| 11- Kail | 12- Cavanaugh |
| 13- Fowers | 14- Schumm |
| 15- Silliman | 16- Bernard |
| 17- Whisman | 18- Shek |
| 19- Abas | 20- Broadhead |
| 21- Spanier | 22- Lewis |
| 23- Sabatelli | 24- Edmonds |
| 25- Snyder | |
| 26- Quality of Marriage Index | |
| 27- Norton | |
| 28- Marital Satisfaction Scale | |
| 29- Dayadic Adjustment Scale | |
| 30- Roach | 31- Frazier |
| 32- Bowden | |
| 33- Enrich Marital Satisfaction Scale | |
| 34- Fournier | 35- Druckman |
| 36- Mehrabian | |

۱۴ تا ۷۰ متغیر باشند، که نمره بالا بیانگر میزان بالای رضایت زناشویی همسران نسبت به یکدیگر است. از سوی دیگر، فرم ۳۵ ماده‌ای این مقیاس برای اندازه‌گیری رضایت زناشویی افراد متأهل را بلوم و محرابیان (۱۹۹۹) تدوین نموده‌اند. در بررسی حاضر این مقیاس را پژوهشگر نخست به فارسی ترجمه نموده و پس از ویرایش و روان‌سازی ادبی، یکی از همکاران دانشگاهی، متن برگردانده‌شده را با متن اصلی مقایسه نمود.

بلوم^۶ و محرابیان (۱۹۹۹) پایایی فرم بلند مقیاس رضایت زناشویی را به روش بازآزمایی با فاصله شش هفته ۰/۸۳ و ضریب آلفای کرونباخ^۷ را برای آن ۰/۹۴ گزارش کردند. محرابیان (۱۹۹۸) ضریب پایایی آلفای کرونباخ فرم ۱۲ ماده‌ای مقیاس رضایت زناشویی را در دو بررسی جداگانه، به میزان ۰/۹۴ و ۰/۹۱ به دست آورد. بلوم و محرابیان (همان‌جا) در یک تحلیل عاملی بر روی فرم بلند مقیاس رضایت زناشویی به یک عامل با مقدار ویژه ۱۲/۴ و محرابیان (۱۹۹۸) نیز برای فرم کوتاه ۱۲ ماده‌ای آن به یک راه حل یک‌عاملی دست یافتند.

برای بررسی روایی هم‌زمان فرم کوتاه مقیاس رضایت زناشویی محرابیان (۱۹۹۸) فرم ۴۷ ماده‌ای پرسش‌نامه رضایت زناشویی اینریچ (اولسون، ۱۹۹۸، به نقل از سلیمانان، ۱۳۷۳) به کار برده شد.

در این بررسی از شاخص‌های آمار توصیفی مانند میانگین و انحراف معیار و روش‌های آماری از جمله آلفای کرونباخ، ضریب همبستگی ساده، تحلیل عاملی به کمک دو روش اکتشافی و تأییدی بهره گرفته شد.

یافته‌ها

جدول ۱ ضریب‌های همبستگی هریک از ماده‌های مقیاس رضایت زناشویی را همراه با نمره کل مقیاس نشان می‌دهد. دامنه این ضریب‌ها از ۰/۰۶ تا ۰/۸۸ (به جز ماده ۱۰) در نوسان است. این یافته نشان می‌دهد که سیزده ماده مقیاس از همبستگی درونی مناسبی برخوردار هستند و یک سازه را بیان می‌کنند.

1- factor analysis
3- Krejcie
5- Guilford
7- Cronbach
9- Cronbach

2- principal axis factoring
4- Morgan
6- Blum
8- Blum

و راهکارهای مناسب را در راستای از میان برداشتن مشکلات ارایه دهند. از آن‌جا که هر یک از همسران با اندیشه‌ها و باورهای متفاوت، زندگی مشترک را آغاز می‌کنند، اگر باورهای آنها با یکدیگر تفاوت زیادی داشته باشند، ناخشنودی در زمینه‌های گوناگون پدید می‌آید که خود زمینه‌ای برای بروز مشکلات خانوادگی بعدی می‌شود. ساخت ابزارهایی دارای روایی و پایایی می‌تواند در زمینه تشخیص زودرس به روانشناس و مشاور خانواده کمک کند.

این پژوهش با دو هدف انجام شد: ۱- بررسی روایی سازه مقیاس رضایت زناشویی بر روی کارکنان متأهل دانشگاه شهید چمران به کمک تحلیل عاملی (اکتشافی و تأییدی) و ۲- بررسی پایایی مقیاس رضایت زناشویی در جمعیت یادشده.

روش

این پژوهش از نوع همبستگی (تحلیل ماتریس، کوواریانس یا همبستگی از نوع تحلیل عاملی^۱ با روش عامل‌یابی محور اصلی^۲) است.

کارکنان اداری متأهل دانشگاه شهید چمران (۴۲۷ نفر) جامعه این پژوهش بودند و از میان آن‌ها ۲۰۰ نفر به روش تصادفی ساده نمونه‌گیری شدند. تعیین حجم نمونه بر پایه جدول ارایه‌شده توسط کرجسی^۳ و مورگان^۴ (۱۹۷۰) انجام شد. گیلفورد^۵ (۱۹۵۶) بر این باور است که برای به دست آوردن عامل‌های معتبر، حجم نمونه نباید کمتر از ۲۰۰ نفر باشد. در نمونه حاضر میانگین سن شرکت‌کنندگان ۳۵/۲۷ سال (انحراف معیار ۷/۸۲)، سن ازدواج ۲۴/۶۱ سال (انحراف معیار ۳/۹۲)، مدت ازدواج ۱۰/۷۲ سال (انحراف معیار ۷/۷۶)، شمار فرزندان ۱/۷۷ (انحراف معیار ۱/۳۴) و فاصله سنی با همسر ۳/۸۶ سال (انحراف معیار ۲/۸۹) بود.

ابزار به کار برده‌شده در این پژوهش فرم کوتاه مقیاس رضایت زناشویی (محرابیان، ۱۹۹۸) بود که یک ابزار اندازه‌گیری مربوط به بررسی جنبه‌های گوناگون رضایت زناشویی است. این مقیاس دارای ۱۴ ماده است. شرکت‌کنندگان پاسخ خود را به هر ماده در یک پیوستار (۱= نداشتن توافق تا ۵= توافق بسیار بالا) رتبه‌بندی می‌کنند. هم‌چنین، شماری از ماده‌ها به صورت وارونه نمره‌گذاری می‌شوند. این نوع از ماده‌ها میزان رضایت زناشویی همسران را بررسی می‌کنند. بدین ترتیب نمره‌های این مقیاس می‌تواند بین

جدول ۱- ضریب‌های همبستگی هریک از ماده‌های مقیاس رضایت زناشویی با نمره کل ماده‌ها در کارمندان دانشگاه (n=200)

ماده	میانگین (انحراف معیار)	نمره کل
۱	۳/۷۷ (۱/۲۰)	۰/۷۳*
۲	۳/۰۳ (۱/۴۴)	۰/۵۷*
۳	۴/۵۳ (۰/۹۹)	۰/۵۶*
۴	۴/۰۸ (۱/۲۸)	۰/۶۸*
۵	۳/۸۷ (۱/۱۷)	۰/۸۵*
۶	۴/۴۱ (۱/۰۹)	۰/۶۶*
۷	۳/۸۰ (۱/۳۴)	۰/۸۱*
۸	۴/۳۳ (۱/۱۰)	۰/۵۰*
۹	۳/۲۱ (۱/۴۱)	۰/۶۴*
۱۰	۳/۹۸ (۱/۲۱)	۰/۰۶
۱۱	۴/۵۲ (۱/۱۲)	۰/۸۸*
۱۲	۳/۴۹ (۱/۳۴)	۰/۵۶*
۱۳	۳/۸۳ (۱/۲۵)	۰/۶۳*
جمع	۵۰/۸۶ (۱۱)	۰/۸۵*

*p<0.001

مقدار t به دست آمده از رضایت زناشویی کارکنان زن و مرد برابر با ۳/۰۴- می باشد، که از نظر آماری معنی دار است (p<0.003). میانگین نمرات رضایت زناشویی کارکنان مرد (۵۳/۱۸) بیش از میانگین نمرات رضایت زناشویی کارکنان زن (۴۸/۵۴) است. هم چنین این تفاوت در دو عامل به دست آمده به نفع رضایت زناشویی مردان می باشد. این بررسی نشان داد که هفت نفر از کارکنان (۳/۵٪) از رضایت زناشویی پایین، ۱۴ نفر (۷٪) از رضایت زناشویی پایین تر از متوسط، ۳۳ نفر (۱۶/۵٪) از رضایت زناشویی متوسط، ۶۴ نفر (۳۲٪) از رضایت زناشویی بالاتر از متوسط و ۸۲ نفر (۴۱٪) از رضایت زناشویی بالا برخوردار هستند.

برای مناسب بودن داده‌ها از آزمون کیزر-میر-الکین^۱ (KMO) استفاده شد، که ضریب به دست آمده برابر ۰/۹۲ و رضایت بخش بود. هم چنین نتیجه آزمون اندازه گیری کرویت پارتلت^۲ ($\chi^2=1471/20$) از نظر آماری (p<0.001) معنی دار بود. بدین ترتیب داده‌ها قابلیت تجزیه و تحلیل عاملی را دارند. برای تحلیل عاملی مقیاس رضایت زناشویی، نخست روش عامل یابی محور اصلی و در مرحله بعد برای تشخیص عوامل زیربنایی مقیاس، از روش چرخش مایل^۳ استفاده شد.

همان گونه که جدول ۲ نشان می دهد، ارزش های ویژه^۴ دو عامل بالاتر از یک می باشند، که جمعا ۵۷/۴۶٪ واریانس ماده‌ها را تبیین می کنند (در این تحلیل بارهای عاملی ۰/۴۰ به بالا به کار برده شدند). بنابراین، یافته‌های این جدول گویای دوبعدی بودن مقیاس رضایت زناشویی است. این یافته به پرسش دوم پژوهش پاسخ می دهد. اگرچه بیشترین سهم واریانس مقیاس رضایت زناشویی را عامل اول (رضایت از ازدواج) تبیین می کند، اما عامل دوم (ناخشنودی از ازدواج) نیز سهم مناسبی بر عهده دارد. بارهای عاملی اول از ۰/۵۶ تا ۰/۸۴ و عامل دوم از ۰/۵۰ تا ۰/۶۷ در نوسان هستند. هم چنین ماده ۱۰ (من و همسرم اغلب درباره مسایل مالی بحث می کنیم) بر روی دو عامل نام گذاری شده بالا، بار عاملی ندارند که باید از مقیاس نهایی حذف شوند. افزون بر آن، ضریب همبستگی بین عامل های اول و دوم با کل ماده‌ها (۱۳ ماده)، به ترتیب ۰/۹۵ و ۰/۸۰ بود که بیانگر روایی همگرا و ضریب همبستگی بین عامل اول و دوم (۰/۵۷) و روایی واگرا و معنی دار مقیاس (p<0.001) است.

ضرایب آلفای کرونباخ مقیاس رضایت زناشویی برای کل نمونه ۰/۹۰، در مردان (n=100) ۰/۸۹، در زنان (n=100) ۰/۹۱ و در عامل های اول (n=200) و دوم (n=200) به ترتیب ۰/۹۰ و ۰/۸۰ به دست آمدند. بنابراین، ضریب های پایایی (آلفای کرونباخ) در کل نمونه و در دو جنس رضایت بخش بودند.

هم چنین، ضریب های روایی هم زمان مقیاس یاد شده با پرسش نامه رضایت زناشویی اینریچ بر روی ۱۱۶ شرکت کننده متأهل ۰/۸۳، بر روی ۷۱ کارمند مرد متأهل ۰/۸۴ و بر روی ۴۵ کارمند زن متأهل ۰/۸۱ به دست آمد. این یافته‌ها به بخش دوم پرسش دوم پژوهش پاسخ می دهند، که بیانگر روایی هم زمان دو سازه یاد شده در بالاست.

1- Kaiser-Meyer-Olkin Measure of Sampling Adequacy
2- Bartlett's Test of Sphericity
3- oblique 4- eigenvalues

جدول ۲- ماتریس عاملی چرخش یافته مایل مقیاس رضایت زناشویی با روش عامل یابی محور اصلی

پرسش‌ها	عامل‌ها	
	رضایت از ازدواج	ناخشنودی از ازدواج
همسرم جذاب و دوست داشتنی است.	۰/۸۳	-
همسرم و من اهداف و جاه‌طلبی یکسانی داریم.	۰/۵۶	-
من و همسرم مشکلات زناشویی داریم.	-	۰/۶۷
همسرم واقعاً مرا عصبی می‌کند.	-	۰/۶۱
من و همسرم ارتباط مناسب و خوبی با یکدیگر داریم.	۰/۸۴	-
ازدواجم از جمله ازدواجهای موفق و خوب به حساب نمی‌آید.	-	۰/۵۵
از ازدواجم بسیار راضی و خوشحالم.	۰/۷۴	-
من و همسرم به ندرت با هم می‌خندیم.	-	۰/۵۰
من و همسرم در مورد گذراندن اوقات فراغتمان توافق داریم.	۰/۶۰	-
من و همسرم اغلب درباره مسایل مالی بحث می‌کنیم.	-	-
از رابطه با همسرم رضایت دارم.	۰/۸۲	-
اغلب به پایان دادن ازدواجم فکر می‌کنم.	-	۰/۵۱
من و همسرم در مورد ارتباط با خویشاوندانمان توافق داریم.	۰/۶۵	-
همسرم عموماً مرا درک می‌کند.	۰/۷۶	-
ارزش ویژه	۶/۳۹	۱/۶۵
درصد واریانس	۴۵/۶۴	۱۱/۸۲
درصد واریانس تراکمی	۵۷/۴۶	

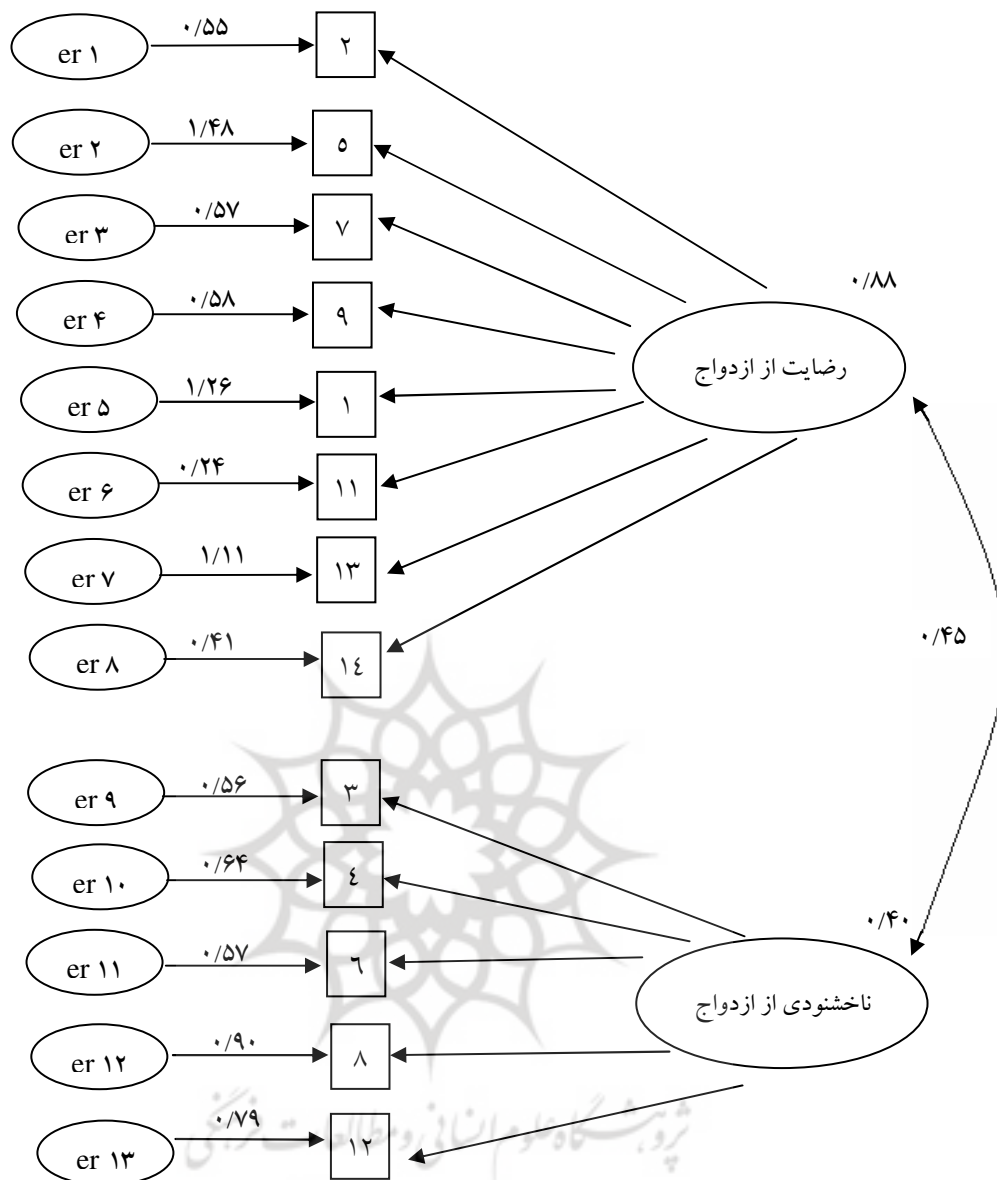
جدول ۳- شاخص‌های برازندگی الگوهای یک‌عاملی و دوعاملی مقیاس رضایت زناشویی

الگوها	مجذور خی‌دو	درجه آزادی	سطح معنی‌داری	میزان خطا	شاخص‌های برازندگی	
					برازندگی مقایسه‌ای	برازندگی بهنجار شده
یک‌عاملی	۱۴۳/۷۷	۶۲	۰/۰۰۰۱	۰/۰۸	۰/۹۴	۰/۸۹
دوعاملی	۷۷/۹۴	۶۱	۰/۰۷۱	۰/۰۳	۰/۹۸	۰/۹۴

برای آزمون فرضیه یک‌عاملی و دوعاملی مقیاس رضایت زناشویی از روش تحلیل عامل تأییدی^۱ و روش برآورد بیشینه احتمال^۲ به کمک برازندگی داده‌ها بهره گرفته شد. این روش بر پایه این فرض است که گروه نمونه از یک جامعه چندمتغیری بهنجار بیرون آمده است. ارزیابی الگوهای یک‌عاملی و دوعاملی برای مقیاس رضایت زناشویی نشان داد که برازش الگوی دوعاملی بهتر از برازش الگوی یک‌عاملی است (جدول ۳). آزمون خی‌دو رابطه میان الگوی یک‌عاملی (df=۶۲) و سه شاخص تعدیل ($\chi^2=143/77$) را معنی‌دار نشان داد ($p<0/001$) که گویای آن است که این الگو متناسب و برازش یافته جامعه نیست. هم‌چنین آزمون خی‌دو برای الگوی دوعاملی (df=۶۱) و سه شاخص تعدیل ($\chi^2=77/94$) از نظر آماری معنی‌دار نبود که بیانگر شاخص برازش یافته این الگو در جامعه است. بنابراین، الگوی دوعاملی مقیاس رضایت زناشویی برازنده جامعه است. ویژگی‌های دیگری برای ارزشیابی برازش کلی الگو در جدول ۳ آورده شده‌اند. همان‌گونه که در جدول ۳ دیده می‌شود، شاخص‌های برازندگی الگوی یک‌عاملی گویای کمتر بودن برازندگی الگوی یک‌عاملی در برابر الگوی دوعاملی است. هم‌چنین جذر برآورد واریانس خطای تقریب (RMSEA^۳) در الگوی دوعاملی بسیار کوچک‌تر از الگوی یک‌عاملی است که این یافته نیز بیانگر خطای اندک الگو و برازش چشم‌گیر آن است.

برای آزمون فرضیه یک‌عاملی و دوعاملی مقیاس رضایت زناشویی از روش تحلیل عامل تأییدی^۱ و روش برآورد بیشینه احتمال^۲ به کمک برازندگی داده‌ها بهره گرفته شد. این روش بر پایه این فرض است که گروه نمونه از یک جامعه چندمتغیری بهنجار بیرون آمده است. ارزیابی الگوهای یک‌عاملی و دوعاملی برای مقیاس رضایت زناشویی نشان داد که برازش الگوی دوعاملی بهتر از برازش الگوی یک‌عاملی است (جدول ۳). آزمون خی‌دو رابطه میان الگوی یک‌عاملی (df=۶۲) و سه شاخص تعدیل ($\chi^2=143/77$) را معنی‌دار نشان داد ($p<0/001$) که گویای آن است که این الگو متناسب و برازش یافته جامعه نیست. هم‌چنین آزمون خی‌دو برای الگوی دوعاملی (df=۶۱) و سه شاخص تعدیل ($\chi^2=77/94$) از نظر آماری معنی‌دار نبود که بیانگر شاخص برازش یافته این الگو در جامعه است. بنابراین، الگوی دوعاملی مقیاس رضایت زناشویی برازنده جامعه است. ویژگی‌های دیگری برای ارزشیابی برازش کلی الگو در جدول ۳ آورده شده‌اند. همان‌گونه که در جدول ۳ دیده می‌شود، شاخص‌های برازندگی الگوی یک‌عاملی گویای کمتر بودن برازندگی الگوی یک‌عاملی در برابر الگوی دوعاملی است. هم‌چنین جذر برآورد واریانس خطای تقریب (RMSEA^۳) در الگوی دوعاملی بسیار کوچک‌تر از الگوی یک‌عاملی است که این یافته نیز بیانگر خطای اندک الگو و برازش چشم‌گیر آن است.

1- confirmatory factor analysis
2- Maximum Likelihood
3- Root Mean Square Error Approximation



شکل ۱- الگوی دو عاملی برازنده مقیاس رضایت زناشویی

بحث

(۲۰۰۵، ۱۹۹۸) و بلوم و محراییان (۱۹۹۹) هماهنگ است. هم چنین ضریب روایی هم زمان مقیاس رضایت زناشویی و پرسش نامه رضایت زناشویی اینریچ در حد بالا به دست آمد که بیانگر روایی مناسب این مقیاس و گویای آن است که هر دو سازه یک پدیده واحد را اندازه گیری می کنند؛ هم چنین نشان دهنده ۶۹٪ واریانس مشترک می باشد. ضریب همبستگی بالا و معنی دار مقیاس رضایت زناشویی و دو عامل استخراج شده گویای روایی همگرای این سازه با عامل های یاد شده است.

هدف اصلی این پژوهش بررسی ساختار عاملی (پایایی و روایی) مقیاس رضایت زناشویی (MSS) در کارکنان دانشگاه بود. در این پژوهش، پایایی این مقیاس که به روش آلفای کرونباخ در کل نمونه به تفکیک جنس و دو عامل به دست آمده، بالاست (بالتر از ۰/۹۰ به جز برای عامل دوم) و گویای آن است که ماده های این مقیاس از همگونی مناسبی برخوردارند و شاخص های هماهنگی درونی به دست آمده با شاخص های همسانی درونی گزارش شده توسط محراییان

کرده‌اند، در هر شرایطی زندگی کنند. اما نگرش‌ها، باورها و انتظارات زنان از ازدواج و مفهوم رضایت با گسترش جوامع تغییر یافته است؛ از این رو، هنگامی که از سوی شریک زندگی اش درک نمی‌شود و خواسته‌هایش برآورده نمی‌گردند دچار برخی مشکلات در ارتباط با همسر می‌شود. بر این پایه روانشناسان و مشاوران خانواده توصیه می‌کنند که زنان و مردان در زندگی انتظارات نامعقول از یکدیگر نداشته باشند. بررسی‌ها نشان داده‌اند که رضایت از ازدواج در زنان کمتر از مردان است (فاورز، ۱۹۹۱؛ شام و سیلسن، ۱۹۹۶؛ کادیر و همکاران، ۲۰۰۵) و زنان متأهل بیش از زنان مجرد آمادگی دچار شدن به پریشانی‌های روان شناختی را دارند (برنارد، ۱۹۷۵؛ ویسمن، ۱۹۹۹؛ شک، ۱۹۹۴؛ عباس و برودهد، ۱۹۹۷).

بر پایه یافته‌های این پژوهش می‌توان گفت که مقیاس رضایت زناشویی یک ابزار اندازه‌گیری مناسب و کارآمد برای پژوهشگران، مشاوران و روانشناسان خانواده در زمینه ارزیابی آغازین روابط و کیفیت ازدواج همسران و فعالیت‌های پژوهشی است.

به کارنبردن مقیاسی معتبر در زمینه بررسی رضایت زناشویی که در ایران از نظر روایی و پایایی بررسی شده باشد از محدودیت‌های این پژوهش به‌شمار می‌رود. از این رو ساخت ابزارهای کوتاه با پایایی و روایی مناسب بر پایه ساختار فرهنگی جامعه پیشنهاد می‌شود. از سوی دیگر، پژوهشگرانی که در زمینه مشکلات خانواده فعالیت می‌کنند پیوسته با پاسخ‌های نه‌چندان قابل اعتماد پاسخ‌گویان روبه‌رو می‌شوند. بنابراین بهره‌گیری از روش‌هایی که این محدودیت را به کمترین میزان کاهش دهد، پیشنهاد می‌شود.

سپاسگزاری

از کارکنان دانشگاه شهید چمران که با شکیبایی و بردباری در این پژوهش شرکت کردند قدردانی می‌شود.

[بنا به اظهار نویسنده مسئول مقاله، حمایت مالی از پژوهش و تعارض منافع وجود نداشته است.]

منابع

رجیبی، غلامرضا؛ رسایی، ابراهیم (۱۳۸۸). بررسی مؤلفه‌های شادمانی ذهنی و سطح تمایز یافتگی در پیش‌بینی رضایت زناشویی در کارکنان اداره‌های دولتی شهر کرمان. *مجله علمی- پژوهشی تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره ایران*، پذیرفته شده برای چاپ.

رجیبی، غلامرضا؛ شهبازی، مسعود (۱۳۸۸). رابطه مؤلفه‌های هوش هیجانی و ابراز وجود با رضایت زناشویی در معلمان متأهل آموزش و پرورش شهرستان

مقیاس رضایت زناشویی یک ابزار دوبعدی (خشنودی و ناخشنودی از ازدواج) است که ۵۷/۴۶٪ واریانس مقیاس را تبیین می‌کند. سهم عامل اول یعنی خشنودی از ازدواج (۴۵/۶۴٪) بیشتر از سهم عامل دوم (۱۱/۸۲٪) و دارای بیشترین واریانس است. این یافته با یافته بلوم و محراییان (۱۹۹۹) بر روی فرم ۳۵ ماده‌ای این مقیاس که تنها مقدار ویژه ۱۲/۴ را در نظر گرفتند و مقادیر ویژه ۱/۹ و ۱/۳ را نادیده گرفتند و نیز یافته محراییان (۱۹۹۸) که به کمک فرم کوتاه ۱۲ ماده‌ای این مقیاس به یک عامل دست یافت، هم‌خوانی ندارد. هم‌چنین، ماده‌های پنج (۰/۸۴)، یک (۰/۸۳) و ۱۱ (۰/۸۲) در عامل اول (خشنودی از ازدواج) از میان ماده‌های این عامل از بیشترین بار عاملی برخوردارند که می‌تواند نویدبخش ارتباط و کیفیت مناسب کارکنان با همسرانشان باشد. اما کارکنان در عامل دوم نسبت به عامل اول در ماده‌های پنج‌گانه با نام ناخشنودی از ازدواج، کمترین واریانس را نشان دادند.

تحلیل عاملی تأییدی نشان داد که الگوی دو عاملی مقیاس رضایت زناشویی در جامعه کارمندی برازنده‌تر و دارای کاربرد بیشتری از الگوی یک‌عاملی است [جذر برآورد واریانس خطای تقریب (RMSEA) در الگوی اخیر نزدیک به ۰/۰۳ بود]. هم‌چنین سایر شاخص‌های برازندگی در الگوی یک‌عاملی، این تناسب را نشان دادند.

در این مقیاس کارکنان متأهل بیشترین میانگین‌ها (۴/۵۲) را در ماده ۱۱ مربوط به عامل رضایت از ازدواج (از رابطه با همسر رضایت دارم) و ماده ۳ مربوط به عامل ناخشنودی از ازدواج (من و همسر من مشکلات زناشویی داریم) که بالاترین بار واریانس را در هر دو عامل بر عهده داشتند، نشان دادند. این احساس‌های مثبت و منفی شرکت‌کنندگان بیانگر چگونگی رابطه آن‌ها با همسرانشان است. در این راستا روانشناسان و مشاوران خانواده باید خدمات روانشناختی و زوج‌درمانی مناسبی برای از میان برداشتن مشکلات زناشویی ارائه دهند و پویایی و نشاط خانواده را به آنها بازگردانند. یافته دیگر این پژوهش این بود که رضایت زناشویی مردان متأهل بیشتر از زنان متأهل است. در نیای امروز چشم‌داشت‌های زنان از جامعه و نقش آنها به‌ویژه در خانواده تغییر یافته است و زنان نسبت به دهه‌های پیشین به نقش خودشان در خانواده و جامعه آگاه‌تر شده‌اند. همه این تأثیرات ناشی از ارتباطات اجتماعی و آموزش در ابعاد گسترده می‌باشد. در کشور ما قبلاً زنان با این نگرش و چشم‌داشت وارد زندگی مشترک می‌شدند که تا آنجا که ممکن است با شریکی که انتخاب

- Krejcie, R. R. V., & Morgan, D. W. (1970). Determining sample size for research activities. *Educational and Psychological Measurement, 30*, 607-610.
- Mehrabian, A. (2005). *Manual for the Comprehensive Marital Satisfaction Scale (CMSS)*. Available on: <http://www.kon.org/urc/v8/cherry.html>.
- Mehrabian, A. (1998). Correlations of the PAD emotion scales with self-reported satisfaction in marriage and work. *Genetic Social and General Psychology Monographs, 124*, 311-334.
- Myers, J. E., Madathil, J., & Tingle, L. R. (2005). Marriage satisfaction and wellness in India and the United States: A preliminary comparison of arranged marriages and marriages of choice. *Journal of Counseling and Development, 83*, 183-190.
- Olson, D. H., Fournier, D.G., & Druckman, J. M. (1987). *Counselor's manual for prepare: enrich*. (revised edition). minneapolis, mn, prepare, enrich, inc.
- Orbuch, T. L., & Custer, L. (1995). The social context of married women's work and its impact on black husbands and white husbands. *Journal of Marriage and the Family, 57*, 333-343.
- Qadir, F., De Silva, P., Prince, M., & Khan, M. (2005). Marital satisfaction in Pakistan: A pilot investigation. *Sexual and Relationship Therapy, 20*, 195-209.
- Sabatelli, R. M. (1988). Measurement issues in marital research: A review and critique of contemporary survey instruments. *Journal of Marriage and the Family, 50*, 891-915.
- Schumm, W. R., & Slliman, B. (1996). Gender and marital satisfaction: A replication with a sample of spouse the Christian (Disciples of Christ). *Psychological Reports, 79*, 489-496.
- Shek, D. T. L. (1994). Marital quality and psychological well-being of marriage adults in Chinese context. *The Journal of Genetic Psychology, 156*, 45-56.
- Spanier, G. B., & Lewis, R. A. (1980). Marital quality: A review of the seventies. *Journal of Marriage and the Family, 42*, 96-110.
- Snyder, D. K. (1979). Multidimensional assessment of marital satisfaction. *Journal of Marriage and the Family, 41*, 813-823.
- Whisman, M. A. (1999a). Marital dissatisfaction and incidence of major depression episodes in a community sample. *Journal of Abnormal Psychology, 108*, 674-678.
- Whisman, M. A. (1999b). Marital dissatisfaction and psychiatric disorder: Results from the National Comorbidity Survey. *Journal of Abnormal Psychology, 108*, 701-706.
- مسجد سلیمان. *مجله گستره روانشناسی دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید چمران*، پذیرفته شده برای چاپ.
- رجبی، غلامرضا؛ نبگانی، خدیجه (۱۳۸۷). بررسی رابطه ویژگی های شخصیتی و مؤلفه های عشق با رضایت زناشویی در کارکنان متأهل اداره های دولتی شهر اهواز. *مجله علمی- پژوهشی تازه ها و پژوهش های مشاوره*، سال هفتم، شماره ۲۵، ۷-۲۵.
- سلیمانان، علی اکبر (۱۳۷۳). *بررسی تأثیرات تفکرات غیرمنطقی بر اساس رویکرد شناختی بر نارضایتی زناشویی*. پایان نامه کارشناسی ارشد مشاوره. دانشگاه تربیت معلم تهران.
- شریف نیا، فریا (۱۳۸۰). *رابطه بین رضایت از ازدواج و افسردگی مادران و ارتباط این متغیرها با سازگاری فردی- اجتماعی و عملکرد تحصیلی فرزندان دختر دوره راهنمایی آنان در شهر اهواز*. پایان نامه کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی. دانشگاه شهید چمران اهواز.
- موسوی، سیدصادق (۱۳۸۷). *بررسی رابطه سبک های هویتی و عوامل فردی- خانوادگی با رضایت زناشویی در کارمندان متأهل دانشگاه شهید چمران*. پایان نامه کارشناسی ارشد مشاوره خانواده. دانشگاه شهید چمران اهواز.
- Abas, M., & Broadhead, J. (1997). Depression and anxiety among women in an urban setting in Zimbabwe. *Psychological Medicine, 27*, 59-71.
- Bernard, J. (1975). *The future of marriage*. New York: Bantam.
- Blum, J. S., & Mehrabian, A. (1999). Personality and temperament correlates of marital satisfaction. *Journal of Personality, 67*, 93-125.
- Edmonds, V. H. (1967). Marital conventionalization: Definition and measurement. *Journal of Marriage and the Family, 29*, 681-688.
- Fowers, B., J. (1991). His and here marriage: A multivariate study of gender and marital satisfaction. *Sex Roles, 24*, 209-221.
- Fowers, B. J. (1990). An interactional approach to standardized marital assessment: A literature review. *Family Relations, 39*, 368-377.
- Fowers, B., J., & Olson, D. H. (1993). ENRICH Marital Satisfaction Scale: A brief research and clinical tool. *Journal of Family Psychology, 7*, 176-185.
- Gottman, J. M. (1994). *What predicts divorce? The relationship between marital processes and marital outcomes*. Hillsdale, NJ: Erlbaum.
- Guilford, J. P. (1956). *Psychometric method*. New York: MacGraw-Hill.
- Heyman, R. E., Sayers, S. L., & Bellack, A. S. (1994). Global marital satisfaction versus marital adjustment: An empirical comparison of three measures. *Journal of Family Values, 8*, 432-446.
- Johnson, D. R., White, L. K., Edwards, J. N., & Both, A. (1986). Dimensions of marital quality: Toward methodological and conceptual refinement. *Journal of Family Issues, 7*, 31-49.